

علل تکرار سرقت پس از آزادی یا مرخصی از زندان



دکتر ایوب میلیکی

عضو هیات علمی
دانشگاه
وکیل دادگستری

تجربه زندانبانی در نظام های قضایی دنیا ثابت کرده که این مجازات يك رسالت پیشگیرانه محدود دارد، زیرا این مکان نگهداری موقت، فقط قادر است برای مدتی کوتاه یا طولانی مجرم را از محیط اجتماع دور نگه دارد و به محض آزادی یا ترخیص از زندان، خود را با پیامدهای روانی و جسمانی ناشی از دوران محکومیت مواجه می بیند، از سویی دیگر با انبوهی از فرصت ها و محرک های جرم زا و مشکلات و نابه سامانی های اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی روبه رو می شود که ناگزیر او را به ورطه تکرار جرم سوق می دهد. این امر نشان می دهد گاهی نظام زندانبانی که رسالت سنگین اصلاح و درمان را بر دوش می کشد، به دلیل کمبود نیروهای متخصص و مجرب، فقدان سیاست های درمانی مناسب و بی توجهی به شخصیت مجرم، در انجام این رسالت حساس ناکام و ناکارآمد نشان داده و به جای درمان بزهکار، به دلیل شرایط نامناسب نگهداری، بعضا به مکتب و دانشگاه جرم آموزی تبدیل شده است. تجربه ثابت کرده برخی مجرمان جوان و فاقد سابقه، انواع و اقسام شگردهای مجرمانه را در محیط زندان می آموزند و برخی مجرمان سابقه دار نیز بر تجارب و دانستنی های مجرمانه خویش بسی می افزایند.

این امر به ویژه در مورد مرتکبان برخی جرایم مانند سرقت که از جرایم مبتنی بر عادت و فرصت طلبی هستند، بیشتر صدق می کند. اخیرا ملاحظه می شود برخی از این سارقان پس از اعطای مرخصی از زندان و با طرح ادعای جلب رضایت شاکي یا مالباخته، از زندان خارج می شوند و جالب این که به مجرد ترخیص، مرتکب تکرار سرقت شده و با این اقدام، هم زمینه تشدید مجازات خود را مهیا و هم این که موجبات ایجاد ناامنی و افزایش احساس عدم امنیت را بین شهروندان فراهم می کنند. طبیعی است چنین فردی که تحت تاثیر عوامل مختلف مرتکب سرقت شده و با ورود به زندان برچسب و مهر مجرمانه تا ابد بر پیشانی اش زده شده جایگاه و موقعیت شغلی، خانوادگی و اجتماعی خود را به شدت از دست رفته می بیند. به تعبیری جامعه او را طرد کرده و حاضر به پذیرش مجدد او به عنوان يك شهروند عادی و متعارف نیست، در چنین شرایطی گزینه ای مطلوب تر و سهل الوصول تر از سرقت نخواهد یافت.

در اصطلاح عامیانه گفته می شود ترك عادت موجب مرض است و عادت مجرمانه ای که در نتیجه تکرار عمل ناپسندی مانند سرقت ایجاد شده، به سختی می تواند به رفتاری بهنجار و معمول تبدیل شود. کمایا این که یافته های جرم شناسی به ما نشان می دهد آنچه محرك و انگیزه اصلی برای ارتکاب جرایمی مانند سرقت است، عواملی نظیر شخصیت، تمایلات نفسانی، زمینه های اقتصادی، محاسبه گری مجرمان و مهم تر از همه مطلوبیت و جذابیت هدف های مجرمانه است که گاهی باعث می شود حتی افرادی هم که سارق نیستند یا فطرتا آدم های خوب و سازگار با نرم های اجتماعی محسوب می شوند، تحت تاثیر این وسوسه ها و جذابیت های آتی قرار گیرند. حال چه رسد به این که فردی سابقه ارتکاب چنین جرمی هم داشته و مدتی هم در زندان انواع و اقسام فنون و رموز سرقت را نیز آموخته است. او اکنون بعد از آزادی با همان جاذبه ها و امتیازات روبه رو شده و به جای گام برداشتن در مسیر کار و تلاش شرافتمندانه - البته جامعه نیز در عدم اعطای مجدد این فرصت شغلی به او مقصر است - راه میانه یا کم زحمت تر را با سودآوری بیشتر برمیگزیند. نتیجه آن می شود که امروزه در جامعه شاهدش هستیم و روز به روز هم این وضعیت اسفبارتر و نگران کننده تر از قبل می شود.

فراموش نکنیم که اصلاح و تربیت با شعار ایجاد نمی شود، زیرا تمرکز عمده در فرآیند اصلاح و جامعه پذیری مجدد، ایجاد تغییری اساسی در الگوهای رفتاری و ارزش های فردی اشخاص است؛ هدفی که برای رسیدن به آن تلاش می شود تا فرد در چنان موقعیتی قرار گیرد که امکان تقویت رفتار، هویت و دوری جستن از کنش های مجرمانه قبلی وجود نداشته باشد، همچنین از تغییراتی حمایت شود که بتواند هویت و ارزش های جدید و مطلوب را تقویت کند. متاسفانه از منظر روان شناسی ثابت شده که مجازات حبس، اثر مستقیم خود را بر سلب موقت آزادی و ترذیل روحی و اجتماعی فرد محبوس قرار می دهد و در عمل با ایفای نقش «دانشگاه جرم آموزی» به محض اجرا، محکوم را به حال خود رها می کند و در عمل هیچ تدبیری برای آینده یا دوران بعد از ترخیص زندانی نمی اندیشد. این در حالی است که در برخی نظام های زندانبانی، مراقبت های بعد از خروج به نحو جدی پیگیری و حتی زندانیان تا مدت ها تحت حمایت های روان شناسانه و مددکاری اجتماعی قرار می گیرند. به علاوه این که تلاش می شود از جهتی با دور نگه داشتن آنها از محیط های جرم زا، زمینه اشتغال و مهارت آموزی آنها در مراکز و کارگاه های حرفه آموزی وابسته به زندان ها یا مراکز خصوصی فراهم شود. اما متاسفانه با وجود تلاش ها و اصلاحات صورت گرفته، بعضا برخی زندان های فعلی که با بحران جدی تورم جمعیت کیفری مواجه هستند، تا حدودی این نقش را از یاد برده اند و اینگونه می شود که برخی زندانیان پس از ترخیص با توسل به دلیل تراشی و مظلوم نمایی و با این توجیه که جامعه حاضر به پذیرش مجدد آنها نبوده و کارکرد انسانی و اجتماعی آنها را به عنوان يك انسان مفید نادیده می گیرد، مبادرت به تکرار جرایمی مانند سرقت می کنند که متاسفانه این چرخه معیوب و باطل (یعنی ارتکاب جرم، دستگیری، محکومیت، حبس، آزادی و تکرار جرم) مادام در حال وقوع و بازآفرینی است.

مخلص کلام این که نگاه ما به مجرم باید يك نگاه علمی، علت شناسانه، انسان دوستانه و همانند نگاه طبیب به بیمار باشد. بی تردید، يك طبیب زمانی می تواند بیمار خود را درمان و داروی شفابخشی را برای او تجویز کند که درک و تشخیص درستی از بیماری و علت آن داشته باشد. بالطبع، مجریان و کنشگران عرصه عدالت قضایی نیز زمانی در انجام رسالت اصلاحی و پیشگیرانه خود موفق خواهند شد که با تشخیص صحیح علت بزهکاری اشخاص، بتوانند زمینه ها و محرک های جرم را راخنثی و عادت های مجرمانه را تبدیل به رفتارهای حسنه و مطلوب کنند. بدیهی است اصرار و سماجت بر اجرای مجازات، اگر بدون توجه به این نقش حیاتی صورت پذیرد، ثمره ای جز تکرار جرم و تشدید بی نظمی و ناامنی در سطح اجتماع به همراه نخواهد داشت.

به سرقت می زدم تا پول شاکیان را بدهم. اما باز دستگیر می شدم و باید پول شاکیان جدید را می دادم.
آخرین بار دوستم گفت اگر از خانه ویلایی مهرشهر سرقت کنیم می توانم تمام رد مال باقیمانده را بدهم و دیگر مجبور نباشم به زندان بروم.
آن روز تا وارد خانه پر از اجناس قیمتی شدید صاحبخانه سر رسید و فرار کردیم اما دوربین ها چهره من را گرفته بودند، حالا با شاکیان جدید باید به زندان برگردم.

سرقت برای رد مال شوهر

همیشه سارق خودش برای رد مال دست به کار نمی شود و گاهی دیگر اعضای خانواده که با او همدست هستند مجبور به سرقت برای رد مال می شوند. در پرونده ای عجیب سال ۹۴ مرد بی ام و سواری به پلیس تهران مراجعه و از اخاذی زن جوانی خبر داد. این مرد گفت نیمه شب در خیابان زنی را دیدم و دلم برایش سوخت و خواستم او را به خانه اش برسانم. در میانه راه این زن من را به خیابانی خلوت کشاند و یک موتور بادو ترک نشین سد راهم شدند و ادعا کردند که من مزاحم خواهرشان شده ام، آنها با عریذه کشی و تهدید چاقو دو میلیون تومان نقد و ۱۰ میلیون تومان از عابریانکم سرقت و فرار کردند.

با ثبت این شکایت ماموران متوجه شدند این زن و همدستانش با همین شیوه از افراد دیگری هم در غرب تهران سرقت کرده اند. به همین دلیل با گشت نامحسوس زن جوان را شناسایی و دستگیر کردند. سمیه در تحقیقات به اخاذی از مردان پولدار اعتراف کرد و گفت: شوهرم شش ماه قبل به جرم دزدی دستگیر و زندانی شد. هیچ پولی برای رد مال شاکیان نداشتیم و باید ۸۰ میلیون به آنها می دادیم. شوهرم پیشنهاد کرد از مردان پولدار اخاذی کنیم تا بتوانیم با پولش رضایت شاکیان را بگیریم به همین خاطر من با برادران و خواهر شوهرم نقشه را عملی و توانستیم ۴۰ میلیون تومان از پول شکات شوهرم را بدهیم اما خیلی زود شناسایی و دستگیر شدیم.

سرقت از خریداران دلار

در پرونده ای دیگر هم سال ۹۶ زن و مرد میانسالی با حضور در دادسرای سرقت از دو مرد به اتهام سرقت به عنف شکایت کردند. زن میانسال در شکایت اش به ماموران گفت: از صرافی ۶۰۰۰ دلار گرفتم و سوار بر خودرو به خانه آمدم، داخل پارکینگ دو مرد به ما حمله کردند تا کیف حاوی دلارها و دو میلیون تومان پول نقد را سرقت کنند. آنها ما را کتک زدند اما دلارها کف خودرو ریخت و نتوانستند آنها را سرقت کنند.
در ادامه رد دزد سابقه داری که به تازگی با وثیقه از زندان آزاد شده بود به دست آمد.

با دستگیری احمد ۴۴ ساله او به سرقت اعتراف کرد و گفت: به خاطر سرقت به زندان افتادم و به ۵ سال حبس و رد ۳۰ میلیون تومان پول محکوم شدم. دو سال بعد با وثیقه آزاد شدم و با همکاری خواهرزاده ام تصمیم به سرقت از افرادی گرفتیم که دلار می خریدند. با این کار می خواستم رد مال شاکیان قبلی را پرداخت کنم.

سرقت برای جلب رضایت شاکیان کلاهبرداری

آخرین پرونده نیز مربوط به مرد کلاهبرداری است که برای جلب رضایت شاکیان پرونده اش تصمیم به سرقت از طلافروشی گرفت. مرد جوان بعد از این که یک خودروی پراید را از مقابل میوه فروشی سرقت کرد با آن به یک طلافروشی رفت و با پتک شیشه طلافروشی را در محله پاسگاه نعمت آباد شکست و با برداشتن مقداری طلافروشی شد. ماموران با بررسی صحنه سرقت و به دست آوردن چهره سارق، او را که چند ماه قبل برای جلب رضایت شاکیان با سپرن وثیقه از زندان آزاد شده بود شناسایی و دستگیر کردند.

مرد جوان در بازجویی ها گفت: دو سال قبل با چک سرقتی از چند فروشنده لوازم خانگی کلاهبرداری کردم که خیلی زود شناسایی و دستگیر شدم، از شاکیان برای دادن طلب شان درخواست مهلت کردم که قبول کردند. با گذاشتن سند از زندان آزاد شدم. هیچ پولی برای رد مال نداشتم برای همین تصمیم گرفتم از طلافروشی سرقت کنم تا بتوانم رضایت شاکیان را بگیرم اما قبل از فروختن طلاها دستگیر شدم.



در برخی نظام های

زندانبانی، مراقبت های

بعد از خروج به نحو

جدی پیگیری شده

و حتی زندانیان

تا مدت ها

تحت حمایت های

روانشناسانه

و مددکاری اجتماعی

قرار می گیرند

